

آذر برزین نام

سرایندهای فاشیناس

تصحیح و تحقیق:
رضا غفوری



آذربُزین نامه

از سراینده‌ای ناشناس
احتمالاً سروده شده در قرن دهم



عنوان و نام پدیدآور: آذر برزین‌نامه/از سراینده‌ای ناشناس احتمالاً سروده‌شده در قرن
دهم؛ تصحیح و تحقیق رضا غفوری.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات ققنوس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۴-۰۳۶۲-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۰ ق.
Persian poetry -- 16th century
شناسه افزوده: غفوری، رضا، ۱۳۶۰ -
رده‌بندی کنگره: PIR ۵۸۵۱
رده‌بندی دیویی: ۸۱۰/۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۵۷۴۱۹۲

آذر بُر زین نامه

از سراینده‌ای ناشناس
احتمالاً سروده شده در قرن دهم

تصحیح و تحقیق:
رضا غفوری

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۴۰۰



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

آذرگزین‌نامه

از سراینده‌ای ناشناس

احتمالاً سروده‌شده در قرن دهم

تصحیح و تحقیق: رضا غفوری

چاپ اول

۵۵۰ نسخه

۱۴۰۰

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳ - ۰۳۶۲ - ۰۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0362 - 3

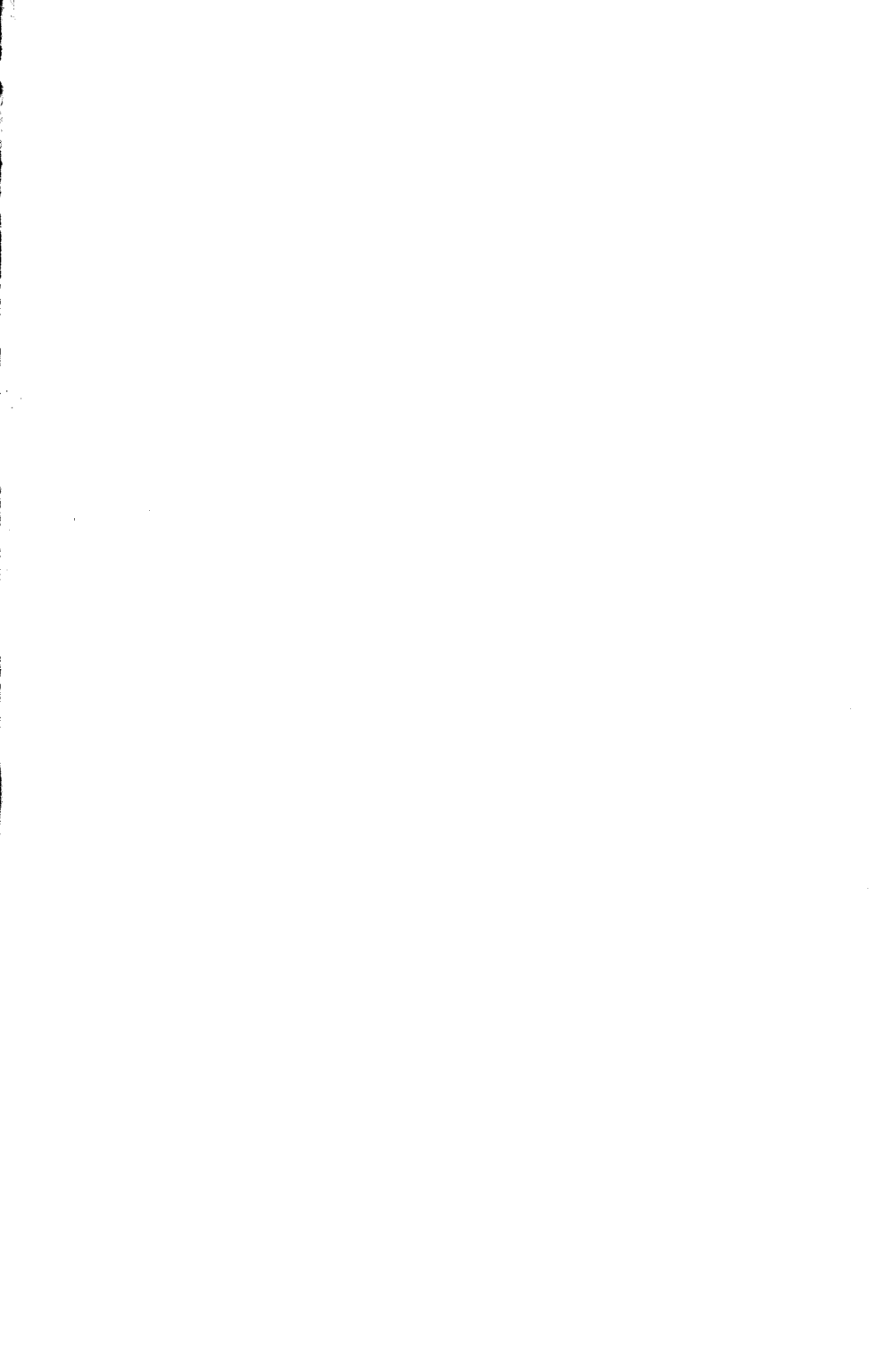
www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷		سرآغاز
۱۱		مقدمه آذربیزین نامه
۶۵		متن آذربیزین نامه
۸۹		یادداشت ها
۹۹		فهرست منابع



سراغاز

پیشینه دلبستگی مردم به قهرمانان ملی و شنیدن و خواندن داستان‌های پهلوانی آن‌ها به دوران باستان می‌رسد. شواهدی در دست است که در خزانه هخامنشیان وقایع‌نامه‌های پهلوانی نگهداری می‌شد و پس از این امپراتوری، دنباله سنت نگارش آثار رزمی و پهلوانی در دوره اشکانیان و بعد ساسانیان نیز دنبال شد و خدای‌نامه‌هایی درباره سرگذشت پادشاهان و خاندان‌های بزرگ ایرانی نگاشته شد. چندی پس از ورود اسلام به ایران و با پیدایش نهضت شعوبیه، به دلیل تقویت روحیه ایرانیان شکست‌خورده در برابر اعراب، توجه به داستان‌های ملی رنگ تازه‌ای به خود گرفت، آن‌چنان که اطلاعاتی درباره وجود چند شاهنامه‌منثور و منظوم در سده‌های آغازین دوره اسلامی به دست ما رسیده است. این شاهنامه‌ها با گذشت زمان و پس از اشتهار شاهنامه فردوسی به تدریج از میان رفتند. با این حال، چندی پس از سرایش اثر سترگ فردوسی، گروهی از شاعران بر سر کار آمدند که شماری داستان پهلوانی را به رشته نظم درآوردند، داستان‌هایی که در شاهنامه نشانی از آن‌ها نیست یا به اختصار آمده است. منبع این دسته منظومه‌ها همان آثار منثوری بود که سلسله روایات آن‌ها اغلب به متون پیش از اسلام می‌رسید، مانند داستان‌های گرشاسپ، بهمن، فرامرز و...

تمایل و رغبت شاعران به سرودن داستان‌های پهلوانی تا یکی دو سده پس از فردوسی ادامه داشت، اما به تدریج کاسته شد و پس از تازش مغول به ایران حماسه‌های تاریخی و نیز اسکندرنامه‌ها که به تقلید از اثر نظامی سروده شده بود جای آن را گرفت. با این حال، از سده دهم به بعد و همزمان با روی کار آمدن سلسله صفویان، توجه به روایات پهلوانی بار دیگر جان تازه‌ای گرفت و در این دوره شاهد به نظم درآمدن شماری داستان پهلوانی هستیم که زیربنای آن‌ها روایات شفاهی و متون نقلی است، داستان‌هایی که سرشار از قهرمانان نوظهوری هستند که وقایع بسیاری حول شخصیت آن‌ها شکل گرفته است. منظومه‌های بلند برزنامه جدید، شهریارنامه، زرین‌قنامه و کوه دماوند شامل این دسته متون هستند. همچنین، در کنار این منظومه‌های بلند، گاهی با روایات منظوم کوتاه‌تری روبه‌رو می‌شویم که درباره کردارهای پهلوانی رستم یا یکی از افراد خاندان اوست، مانند تهمتن‌نامه، بانوگشپ‌نامه، زال و مقاتل دیو و...

خوشبختانه از حدود سه دهه پیش و پس از انتشار بهمن‌نامه به اهتمام زنده‌یاد دکتر رحیم عفیفی، توجه به متن‌های پهلوانی که به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده‌اند گسترش یافته است و به‌ویژه از دهه هشتاد به این طرف، هر چند سال یک بار، شاهد انتشار متونی از این دست هستیم. نگارنده نیز در چند سال اخیر این افتخار را داشته است که چند متن پهلوانی ناشناخته یا کمتر شناخته شده را معرفی کند و انتشار دهد. آذربرزن‌نامه نیز یکی از منظومه‌های کمتر شناخته شده است که نگارنده تصحیح آن را سال‌ها پیش به انجام رسانده بود اما متأسفانه، بنا بر دلایلی چند، انتشار آن به تعویق افتاد. اینک متن این منظومه با بازنگری‌هایی که روی آن انجام شده تقدیم پژوهشگران و علاقه‌مندان ادب حماسی می‌گردد به این امید که در شناخت بهتر ادب پهلوانی ایران برای نسل جوان سودمند واقع شود.

در پایان، نگارنده از استاد گرامی دکتر اکبر نحوی و نیز دوست دانشمند

دکتر سجاد آیدنلو سپاسگزاری می‌کند که نکته‌های مفیدی را دربارهٔ برخی بیت‌های این منظومه یادآور شدند. همچنین از مسئولان محترم انتشارات ققنوس تشکر می‌کند که پیشنهاد چاپ این کتاب را با خوشرویی پذیرفتند و برای انتشار آن اهتمام نمودند.

رضا غفوری

شیراز - خردادماه ۱۳۹۹

مقدمه آذربرزین نامه

واژه آذربرزین و معنای آن

آذربرزین فرزند فرامرز و نبیره رستم زال، یکی از بزرگ‌ترین پهلوانان ادب پهلوانی ایران است. ضبط این نام در منظومه‌های پهلوانی به صورت برزین آذر^۱ و آذربرزین^۲ هم آمده است و در روایات عامیانه هم به گونه آذربرزین^۳، عادل‌برزین^۴، ارزل و برزل^۵ و گاه برزین^۶ نیز دیده می‌شود. آذربرزین ترکیبی از دو واژه آذر به معنای «آتش» و برزین به معنای «بزرگ، ارجمند و بلندپایه»^۷

۱. ر.ک: ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، بهمن‌نامه، صص ۴۱۳ به بعد؛ مختاری، شهریارنامه، صص ۵۷۰-۵۷۱؛ زرین‌قیانامه، ص ۱۱۰۷. ۲. ر.ک: فرامرزنمه بزرگ، ص ۳۶۷.
۳. ر.ک: هفت‌لشکر، ص ۵۳۵؛ نثرنقالی شاهنامه، ص ۱۹۰.
۴. ر.ک: شاهنامه فردوسی، طومار کهن، ص ۹۴۷، پاورقی؛ انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، فردوسی‌نامه، ج ۲، ص ۲۱۸؛ بنا بر باورهای عامیانه، گذاشتن این نام بر پسر فرامرز به سبب عدالتی بود که در دوره پادشاهی‌اش از خود نشان داد. ر.ک: شاهنامه فردوسی، طومار کهن، صص ۹۴۷-۹۴۸، پاورقی.
۵. ر.ک: انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، فردوسی‌نامه، جلد ۱، ص ۱۵۰؛ در روایت شفاهی ارزل و برزل نام دو برادر دوقلوست که پدرشان زال است.
۶. ر.ک: مشکین‌نامه، صص ۲۱۶-۲۲۳؛ درخور ذکر است که در یکی از حماسه‌های منثور عامیانه، نام آذربرزین به صورت اوربرزین آمده است که اگر تلفظ گویشی این واژه نباشد، احتمالاً نتیجه اشتباه کاتب نسخه است. ر.ک: بیغمی، محمد، بهمن‌شاهنامه، ص ۲۶۹.
۷. ر.ک: نیبرگ، هنریک سمونل، دستورنامه پهلوی، صص ۳۵ و ۵۰.

است، بنابراین آذربیزین در لغت به معنای «آتش بزرگ و بلندپایه» است.

خاندان آذربیزین

بر پایه بیشتر روایات، آذربیزین فرزند فرامرز است اما در برخی متون نه پسر فرامرز بلکه فرزند زال^۱ یا جهان بخش^۲ خوانده شده است. در ادب پهلوانی ایران، آذربیزین فرزندی به نام های پیلتن،^۳ شیرزاد،^۴ بختیار،^۵ شهنواز^۶ و داراب^۷ دارد، که به استثنای شاه-پهلوان اخیر^۸ از دیگر فرزندان آذربیزین تا به امروز داستانی به دستمان نرسیده است؛ همچنین بر پایه روایات عامیانه، آذربیزین خواهری هم به نام گیسایانو داشت^۹ که او نیز یکی از پهلوان بانوان متون پهلوانی ایران به شمار می آید.

درباره کیستی مادر آذربیزین چندین روایت به دست ما رسیده است از جمله: دلبند دختر شاه کهیلا،^{۱۰} آذررخ دختر تسلیم پادشاه زرنگ،^{۱۱} خواهر

۱. ر.ک: انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، فردوسی نامه ج ۲، صص ۲۱۸-۲۲۰.
۲. ر.ک: نثر نقالی شاهنامه، ص ۱۹۰؛ منوچهرخان حکیم، اسکندرنامه (از فرنگ تا هندوستان)، ص ۱۳۲.
۳. ر.ک: بیغمی، داراب نامه، ج ۱، ص ۸۸۲.
۴. ر.ک: شاهنامه فردوسی، طومار کهن، ص ۸۷۵؛ شاهنامه نقالان، ص ۳۷۲۲.
۵. ر.ک: شاهنامه فردوسی، طومار کهن، ص ۹۴۸؛ شاید نام این پهلوان برگرفته از بختیار جهان پهلوان دوره خسرو پرویز است که از نوادگان رستم زال بود و بنا بر منابع تاریخی کتابی نیز به نام بختیارنامه در وصف دلاوری های او نوشته شده بود. ر.ک: تاریخ سیستان، ص ۵۴.
۶. ر.ک: شاهنامه فردوسی، طومار کهن، ص ۹۵۸؛ انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، فردوسی نامه، ج ۱، ص ۱۴۷.
۷. ر.ک: رستم نامه، دستنویس کتابخانه ملک، ص ۴۲۰.
۸. پهلوانی های داراب در شاهنامه به اختصار و در داراب نامه طرسوسی به تفصیل آمده است؛ همچنین در برخی طومارهای نقالی نیز روایت هایی از پهلوانی های او هست که بیشتر متکی بر روایات شاهنامه است.
۹. برای دیدن شماری از پهلوانی های گیسایانو، ر.ک: طومار شاهنامه فردوسی، صص ۱۱۸۸-۱۲۰۳؛ منوچهرخان حکیم، اسکندرنامه (بخش ختا)، صص ۹۶ به بعد؛ همو، اسکندرنامه (از فرنگ تا هندوستان)، ص ۱۹۶ به بعد.
۱۰. ر.ک: فرامرزنامه بزرگ، ص ۳۶۷.
۱۱. ر.ک: مختاری، شهریارنامه، ص ۵۷۰؛ بنا بر روایات فرامرزنامه بزرگ و شهریارنامه، فرامرز پس از

سنگل و دختر شاه هند،^۱ دختر فرطورتوش،^۲ توران شیرگیر دختر اشکبوس کشانی،^۳ دختر شاه هند،^۴ دختر شاه چین،^۵ دختر شاه سرانندیب،^۶ دختر شاه کابل،^۷ دختر مهرباب شاه^۸ و گلشهر دختر شاه صور.^۹

پهلوانی‌های آذربیزین در آغاز جوانی

با وجود قدمت و اصالت داستان‌های آذربیزین، سرگذشت این قهرمان تنها در دو منظومه بهمن‌نامه و آذربیزین‌نامه آمده است. در فرامرزنامه بزرگ نیز تنها به نام مادر آذربیزین و چگونگی ازدواج او با فرامرز اشاره می‌شود. در منظومه‌های متأخر هم، به استثنای چند اشاره کوتاه، نکته چندان‌ی درباره این قهرمان نیامده است. دلیل اصلی شمار اندک روایات آذربیزین این است که او

گشتن دو دیو مهیب در سرزمین‌های بیگانه، با دختر پادشاه آن‌جا ازدواج می‌کند و از این پیوند آذربیزین به دنیا می‌آید.

۱. ر.ک: عطایی، برزنامه جدید، دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۷۷ پ؛ ابیات برزنامه جدید درباره تولد آذربیزین چنین است:

چنین خواندم از دفتر باستان	ز گفتار فرزانه راستان
که چون شد فرامرز در سوی هند	مسخر شدش جمله هند و سند
شه هند را بود پوری دلیر	که جندل بدش نام آن شیرگیر
کجا سنگلش گوید او را پدر	یکی خواهرش بود با زب و فر
فرامرز را داد خواهرش را	به گردون درآورد افسرش را
که بریزین آذر شود زو پدید	بود قصه او به کردار شید

۲. ر.ک: زرین‌قنامه، ص ۱۱۰۷. ۳. ر.ک: شاهنامه فردوسی، طومارکهن، صص ۸۳۹ و ۸۴۶.

۴. ر.ک: انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، فردوسی‌نامه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ همچنین ر.ک: طومار شاهنامه فردوسی، ص ۱۱۸۹. ۵. ر.ک: هفت‌لشکر، ص ۵۴۴.

۶. ر.ک: رستم‌نامه، دستنویس کتابخانه ملک، ص ۳۷۲.

۷. ر.ک: انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، فردوسی‌نامه، ج ۲، ص ۲۱۸.

۸. ر.ک: لطفی‌نیا، حیدر، حمله‌های قوم گُرد، ص ۱۸۱؛ بر پایه روایت گُردی، فرامرز برای گرفتن باج و خراج راهی هندوستان شد و چون مهرباب‌شاه توان پرداخت آن را نداشت خود نزد فرامرز رفت و او را به کاخ خود مهمان کرد. شب‌هنگام دختر مهرباب‌شاه که دلباخته فرامرز بود به بالین پهلوان رفت که در نهایت به ازدواج آن‌ها ختم شد؛ از این پیوند جهان‌بین، جهان‌بخش و آذربیزین به دنیا آمدند. بدیهی است که روایت گُردی تقلیدی از داستان رفتن تهمینه به بالین رستم است.

۹. ر.ک: آذربیزین‌نامه، تصحیح حاضر، ابیات ۲۰-۵۳.

و افسین پهلوان از خاندان رستم است و اغلب دیده می شود که سیر روایات پهلوانی ایران به آذربرزین خاتمه می یابد و از سایر پهلوانان خاندان او نیز دیگر یاد نمی شود.

در برخی طومارهای نقالی شاهنامه، داستان هایی از پهلوانی های دوران کودکی آذربرزین آمده است از جمله شیر نوشیدن از شیران جنگل، پرخوری کردن، آموختن فنون رزم در دوره کودکی، و نبرد با فیلان و شیران.^۱ همچنین در روایتی آمده که آذربرزین در دوازده سالگی سوار بر کرّه رخس شد و به جستجوی پدرش فرامرز پرداخت.^۲

بر پایه روایات شفاهی و مردمی، پس از تولّد آذربرزین، بهمن او را بی درنگ نزد خود می برد تا او را از میان بردارد اما وزیران دربار بهمن را از این کار منع می کنند.^۳ بنا بر روایتی دیگر، بهمن آذربرزین را با خواهش و التماس از زال می گیرد و سوگند یاد می کند که این پسر همیشه در کنار او بماند.^۴

آذربرزین در منظومه های پهلوانی

اگرچه در شاهنامه گزارش تازش بهمن به سیستان و کین خواهی او از خاندان رستم آمده، سخنی از آذربرزین به میان نیامده^۵ و نخستین بار در بهمن نامه است که با این قهرمان و دلاوری های او آشنا می شویم. از آن جا که خاستگاه روایات بهمن نامه داستان های کهن ایران است،^۶ این نکته بیانگر آن است که داستان های آذربرزین قدمت و اصالت دارد و ساختگی نیست.

بر پایه روایت بهمن نامه، بهمن پس از کشتن فرامرز به تعقیب بانوگشسب و

۱. ر.ک: شاهنامه فردوسی، طومار کهن، صص ۸۴۷-۸۵۶

۲. ر.ک: رستم نامه، دستنویس کتابخانه ملک، ص ۳۷۳.

۳. ر.ک: انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، فردوسی نامه، ج ۲، ص ۲۱۹.

۴. ر.ک: همان، ص ۲۲۰. ۵. در دنباله گفتار درباره دلیل این امر بحث خواهیم کرد.

۶. ر.ک: مول، ژول، دیباچه شاهنامه، ص ۵۲؛ ایران شاه بن ابی الخیر، بهمن نامه، پیشگفتار، ص بیست و یک؛ شکوهی، فریبا، «بهمن نامه»، دانشنامه زبان و ادبیات فارسی، ج ۲، ص ۸۶